خبر



«صد سال ایران» روایتی از تجربه صنعتی شدن ایران

صنعت نقش بسزایی در آغاز و تداوم رشد اقتصادی در جهان داشته است. در واقع، تحقق رشد و توسعه پایدار کشورها در سایه صنعتی شدن است. ایران نیز از جمله کشورهایی است که از آغاز روند صنعتی شدن جهانی، همسوی دیگر کشورها در این مسیر گام برداشته که البته با موانع و مشکلاتی هم مواجه بوده است. شبکه مستند سیما به تازگی برنامه‌ای را در دست تولید دارد که به روند صنعتی شدن ایران می‌پردازد. مجموعه‌ای با کارگردانی علی نیکبخت که نگاهی انداخته است به تاریخ «صد سال صنعتی شدن ایران». این مستند نگاهی هم دارد به نقش مهم و موثر تجار در صنعتی شدن ایران در صد سال اخیر. علی نیکبخت، کارگردان مستند «صد سال ایران» درباره این مستند گفت: سال ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ دوره بسیار متفاوتی برای کشورمان بوده و سرعت اتفاقات بسیار زیاد است. دوره‌ای که نفت در ایران کشف شد و در ابتدای قرن هم صنعت نساجی در کشور رونق پیدا کرد که حتی محصولات ایران به کشورهای مختلف صادر می‌شود. وی افزود: در این دوران رشد جمعیت شهرنشینی نیز مورد بحث است و تعادل بین صنایعی که تولید یا مونتاژ شده نیز در این مستند مورد بررسی قرار می‌گیرد. تعادل بخشی بین این صنایع و حضور کارگران در عرصه کار از دیگر مؤلفه‌های مهم آن دوران است که در «صد سال ایران» روایت خواهد شد. کارگردان این مجموعه مستند خاطرنشان کرد: مقایسه صنعتی شدن ایران با دیگر کشورهای جهان هم از دیگر مواردی است که در این مستند به آن پرداخته شده است.

گفت‌وگوی «جام‌جم» با سعید جلالی، نویسنده سریال «بی‌همگان»

عاشقانه‌ای با مضامین روز اجتماعی



نوشین مجلسی
گروه رسانه

«بی‌همگان» این شب‌ها با علاقه‌مندان به تماشای سریال‌های شبانه از شبکه سه سیما همراه شده است و قصه‌ای با مضامین عاشقانه و اجتماعی را در دل یک ملودرام روایت می‌کند. حضور چهره‌های جوان چون میترا رفیع و محمد صادقی کنار پیشکسوتانی چون کاظم هژیرآزاد، مهدی سلطانی و دیگر بازیگران که راویان ماجراهای سریال هستند، توانسته است مخاطبان را در نگاه اول با خود همراه کند و باید دید در ادامه قصه‌ای که علیرضا کاظمی‌پور و سعید جلالی نوشته و بهرنگ توفیقی و اصغر هاشمی به تصویر کشیده‌اند تا چه اندازه کشش دارد و بینندگان را به تماشا راغب نگه می‌دارد. اگر از دنبال‌کنندگان سریال بی‌همگان هستید، احتمالا موافقید در همین چند قسمتی که تا امروز روی آنتن رفته است، پرسش‌هایی در خصوص فیلمنامه ذهن مخاطبان را به خود مشغول می‌کند که ما آنها را با سعید جلالی، از نویسندگان سریال در میان گذاشتیم و با او درباره چند و چون کار گپ زدیم.



قصه مضمونی عاشقانه دارد اما در عین حال با فضایی اجتماعی و اقتصادی همراه است که از موضوعات روز و دغدغه‌های مردم در این زمینه مثل بورس، افزایش سرسام‌آور اجاره‌بها، عدم شایسته‌سالاری و... می‌گوید. به عنوان نویسنده در ابتدا بیشتر وجه عاشقانه و خانوادگی قصه رامدنظر داشتید یا می‌خواستید با این قصه، دغدغه‌های روز و مشکلات جوانان را به تصویر بکشید؟

در این قصه ابتدا بیشتر به دنبال تصویر کردن قصه‌ای عاشقانه در بستر یک ملودرام اجتماعی بودم. طرح هم به همین صورت نوشته شده بود اما کم‌کم به این نتیجه رسیدیم که یکسری موضوعات اجتماعی هم به کار بیفزاییم که در واقع از جنبه عاشقانه آن کم کنیم. فکر می‌کنم اگر با همان طرح جلو می‌رفتیم کار به مراتب جذاب‌تر می‌شد اما متاسفانه یا خوشبختانه طرح دچار تغییراتی شد. درواقع یکسری مسائل به قصه اضافه شد که بد هم نیست. برخی سوژه‌ها خوب هستند و به لحاظ اجتماعی تاثیرگذارند.

کدام یک از این بخش‌هایی که می‌گویید به قصه اضافه شده را بیشتر می‌پسندید و فکر می‌کنید وجودشان در کار به بهبود اثر کمک کرده است؟

مثلا از بخشی که به فساد مالی در کارخانه می‌پردازد رضایت بیشتری دارم چون مابه‌ازای بیرونی زیادی در کشور دارد و برای مردم ملموس است. برای همین توانستیم روی آن مانور دهیم و مسائل این چنینی را برای مخاطبان باز کنیم.

همان‌طور که اشاره شد طرح این موضوعات در سریال اتفاق خوبی است و مخاطبان را با خود همراه می‌کند اما آگاهی الناز، شخصیتی که با حضور افراد فاسد و بدون شایستگی که فقط به خاطر موقعیت مالی و خانوادگی در مدیریت کارخانه پستی به‌دست آورند، مخالف است، با زبان شعاری از عملکرد پدرش انتقاد می‌کند و از لزوم توجه به نیروهای جوان و نخبه می‌گوید. معمولا این شیوه حتی برای گفتن حرف‌های درست، به دل نمی‌نشیند. این‌طور نیست؟

هیچ نویسنده‌ای دوست ندارد در سکانس‌هایی که می‌نویسد، شعار دهد اما گاهی دوستان برای نشان دادن راه درست تمایل دارند که این حرف‌ها به صورت مستقیم زده شود.

یعنی می‌شود گفت برای نشان دادن رویکرد و معرفی نگاه شخصیت النـاز چنین جملاتی را از او می‌شنویم؟

می‌شود چنین گفت. البته الناز هم شخصیتی مطلقا مثبت و بی‌خطا نیست ولی در جاهایی افکارش با افکار و عملکرد پدرش تناقض دارد. پدر الناز هم در سکانسی که شام می‌خورند به او می‌گوید این حرف‌ها شعاری است و در عمل به سختی پیاده می‌شود. ضمنا شعارزدگی که می‌گویید در ابتدای قصه در برخی شخصیت‌ها دیده می‌شود چون می‌خواستیم اول به خصوص در گفت‌وگوهای دو نفره النـاز و پدرش، گفتنی‌ها گفته شود. به مرور دیگر آن را نخواهیم داشت و قصه هر چه جلو می‌رود، بیشتر جا می‌افتد و تفاوت میان شخصیت‌ها در روند قصه دیده می‌شود.

البته بیان شعارگونه النـاز در اظهار نظرات درستش فقط در مکالمه او با پدر خلاصه نمی‌شود. این برخورد او را با ارشیا و پسری که تازه در بخش مدیریت ورود پیدا کرده هم می‌بینیم.

او از این پسر خوشش نمی‌آید و خیلی واضح هم اذعان می‌کند. رک می‌گوید که مدرکش تقلبی است. بیراه هم نمی‌گوید.

قصه سریال با شیب ملایمی آغاز می‌شود. ابتدا ماجرای تصادف و به زندان افتادن امیرعلی را داریم که می‌شود از آنها به عنوان اتفاق نام برد. ولی این اتفاق‌ها آن‌قدر با کشش و پرقدرت نشان داده نمی‌شود که مثل یک قلاب حواس مخاطب را صید کنند. حتی در برخی از آنها روابط گنگی مثل نسبت پیمان و امیرعلی وجود دارد که بیشتر بینندگان را سردرگم می‌کند. نگران نبودید با انتخاب چنین سیری برای شروع و اوج‌گیری قصه، مخاطبان را ازدست دهید؟

داستان سکانس تصادف، سه روز مانده به پایان تصویربرداری سریال تغییر کرد و سکانس ابتدایی به ارمنستان منتقل شد. ابتدا به این شکل بود که پیمان و امیرعلی برادر تنی بودند اما گفته شد این دو نباید تنی باشند.

چرا؟ چون خانواده امیرعلی خوب و مثبت هستند اما پیمان پیش از این درگیر اعتیاد بوده است؟

فکر می‌کنم دلیلش همین باشد. البته نظر ما این بود که «پسر نوح با بدان بنشست / خاندان نبوتش گم شد» با تمام اینها می‌شد به شکلی نشان داد او به چه دلیل با این خانواده زندگی کرده است و پیشینه روشن‌تری از پیمان بیان کرد.

البته در جایی گفته می‌شود که او برادر ناتنی است. مادر خانواده هم بیان می‌کند ما امانتدار خوبی برای خانواده پیمان نبودیم.

شخصیت پدر امیرعلی با بازی کاظم هژیرآزاد هم مدام شعر می‌خواند، از ادای حق مردم می‌گوید، نصیحت می‌کند، خوش‌روست و می‌شود گفت بسیاری از خصلت‌های خوب را یک‌جا دارد. تقریبا همه اعضای این خانواده چنین هستند. این میزان مثبت بودن و نمایش کلیشه‌ای یک خانواده همه چیز تمام ایرانی، در تعارض با نقش اصلان قرار می‌گیرد که کاملا سیاه است. خودتان به این شدت به مثبت و منفی بودن آدم‌ها باور دارید؟

اصلان با بازی مهدی ماهانی «بدمن» قصه است و ما در سریال با قصه زندگی او هم کار داریم. شخصیت بد او خیلی رو و واضح است. هر چند سعی می‌کند دست پر به خانه برود و به بچه‌هایش محبت کند اما همسرش نمی‌پذیرد. همچنین از امیرعلی خوشش نمی‌آید و با او دشمنی دارد.

اتفاقا این محبتی را که می‌گویید نسبت به بچه‌ها و همسرش هم نـدارد؛ یعنی در سریال چنـدان دیده نمی‌شود.

چون پدری است که هر بار خانه می‌آید دعوا می‌کند و با همسرش هم درگیر است. با خانواده‌اش ارتباط عاطفی برقرار نکرده اما به هر حال پدر است و ما در آینده ویژگی‌هایی در این خصوص از او و خانواده‌اش می‌بینیم. در مورد خانواده امیرعلی هم در طرح اولیه یکسری درگیری‌های درونی برایشان نوشته بودیم اما حذف شد. البته تلاش کردیم یکسری اختلاف‌نظرها را همچنان حفظ کنیم تا از آن حالت کلیشه‌ای خارج شود. فکر می‌کنم بد هم نشده باشد و برخی از این چالش‌ها را می‌بینیم. مثلا همین که امیرعلی اشتباه می‌کند و خودش می‌رود دم در خانه النـاز و خواستگاری می‌کند، پدرش می‌گوید کار احمقانه‌ای کردی. امیرعلی از خانواده‌ای می‌آید که سعی می‌کنند رفتارشان معقول باشد و شما انتظار دارید پسرشان چنین کاری نکند ولی انجام می‌دهد.

البته سکانس خوبی هم برای پدر امیرعلی در محل کارش نوشته شده است که تا پای درخواست کمک مالی از شـاگـرد سـابـقـش مـی‌رود اما شـخـصـیـتـش اجـــازه نـمـی‌دهـد خواسته‌اش را بیان کند و به همین خاطر سکوت می‌کند.

خودم هم این سکانس و موقعیتی را دوست داشـتـم. بـه نظرم همین لحظات است که یک شخصیت را می‌سازد.

به جای پرگویی و دیالوگ می‌توان از این لحظات تاثیرگذار و موجز استفاده کرد اما متاسفانه در آثار تلویزیونی نمونه‌هایش را کم داریم.

دقیقا گاهی لازم است به جای این‌که شخصیت حرف بزند، مخاطب با یک اکت و حرکت از سمت او ذهنش را بخواند. از این دست لحظات در «بی‌همگان» هست.

از طرف دیگر شخصیت امیرعلی در جاهایی که می‌تواند صحبت کردنش اثرگذار باشد و روند قصه را تغییر دهد، بسیار سرد، ساکت و حتی منفعل است. این سردی در تعریف شخصیت او وجود داشت یا با بازی بازیگر به آن افزوده شده است؟

کم‌کم فعال می‌شود. امیرعلی شخصیتی سرخورده است. او عاشق بوده اما برایش اتفاقاتی می‌افتد که به عشقش نمی‌رسد و تـازه زنـدان هم می‌افتد. اگر دقت کنید در یک قسمت مـی‌رود دم خـانـه النـاز، خواستگاری می‌کند و می‌گوید تو می‌خواستی من شجاع باشم و الان می‌خواهم همان‌طور که گفتی باشم. در واقع دیگر می‌خواهد خودش را بروز دهد و بیاید وسط بـازی. به کارخانه هم می‌رود، قطعه را درست می‌کند و کار را راه می‌اندازد. در همه جا دارد خودش را نشـان مـی‌دهـد و کم‌کم شخصیت درونی او نمود بیشتری پیدا می‌کند. البته آدم کم‌شانس و بدبیاری است.

قـاعـدتـا او پـس از زنـدان بـایـد سرخورده‌تر باشد اما برعکس می‌بینیم پیش از آن به حرف پدر النـاز گوش داده و سعی کرده دختر او را فراموش کند.

دو سال قبل سنش کمتر بوده و با مخالفت پدر دختر مـورد علاقه‌اش مواجه مـی‌شـود. حـالاکه بازگشـتـه و دوبـاره النـاز را مـی‌بینند، همه چیز یادش مـی‌افـتـد و بـه قـول مـعـروف فیلش یاد هندوستان می‌کند. او این دختر را دوست دارد. تصمیم می‌گیرد بایستد و نگذارد به آمریکا برود. می‌خواهد برایش بجنگد. درواقـع امیرعلی وارد فاز تـازه‌ای از زندگی‌اش شـده اسـت و بـه مـرور خـودش را بروز می‌دهد. ما کم‌کم تنش و داد زدن‌هـای او را هم خواهیم دید.

پس می‌شود گفت تاثیر زندان روی او بوده، گویی ته خط را دیده و حالا می‌خواهد جور دیگر زندگی کند.

البته ما از گذشته امیرعلی چیزی ندیده‌ایم و نمی‌دانیم او دقیقا چه جور شخصیتی بوده و امروز چه تغییراتی کرده است.

همین که پیش از این به حرف پدر النـاز گوش داده ولی امروز چنین نمی‌کند و برای خواسته‌اش تلاش می‌کند، نشان می‌دهد که او منفعل بوده و امروز فعال‌تر شده. البته همان‌طور که اشاره کردیم امروز هم گاهی سکوت و انفعال بی‌جا دارد.

بعد از دو سال که از زندان آمده می‌بیند چیزی جز النـاز ندارد و وقتی دم خانه النـاز می‌رود به پدرش می‌گوید شما گفتید رهایش کن من هم چنین کردم. فکر می‌کردم می‌توانم بـدون النـاز زندگی کنم ولی متوجه شدم نمی‌توانم. این شخصیت دارد خودش را بروز می‌دهد و در دیالوگ خواسته‌اش را بیان می‌کند.

شاید منطقی ایـن اسـت کـه النـاز ایـن روزهـا از امیرعلی متنفر باشد اما او برای استقرار وی در کارخانه پدرش کمک می‌کند. چرا؟

ابتدای قصه حاضر نیست قبولش کند، وقتی هم که پدرش متوجه حضور امیرعلی می‌شود می‌گوید اگر خواستید استخدامش نکنید. اما او هم هنوز امیرعلی را دوست دارد. برای همین وقتی می‌بیند ایـن پسر دارد برایش می‌جنگد نگاهش به قضیه تغییر می‌کند و تصمیم می‌گیرد به خارج نرود.

امیرعلی و خانواده‌اش از همان ابتدا مدام دچار بدبیاری مالی و... می‌شوند. گویی برخی اتفاقات بد در فیلمنامه چیده شده است تا آنها را به بعضی واکنش‌ها مجبور کند، منطق این چینش چیست؟

آدمی که بدشانس است، بدشانس است دیگر.

البته مشکل اینجاست که معمولا این میزان از بدبیاری در پایان قصه باورپذیر ختم به خیر نمی‌شود.

اصـولا قصـه‌هـای مـلـودرام هـمـیـن اسـت کـه شـمـا با خـانـواده‌هـایـی روبـه‌رو هستید که برای‌شان از در و دیوار می‌بارد ولی در نهایت با خرد جمعی و اتفاقاتی که در طول قصه می‌افتد این اتفاقات جمع می‌شود. در «بی‌همگان» هم این اتفاق می‌افتد. سعی کردیم رخدادهای چیده شده در فیلمنامه باورپذیر باشد و امیدوارم این اتفاق افتاده باشد.



درنگ

یک رضایت نسبی

جلالی در مورد اینکه چقدر از حاصل کارشان روی آنتن رضایت دارد، بیان می‌کند: من ۲۰ و خرده‌ای سریال برای تلویزیون نوشتم که همه مثل بچه‌هایم هستند و نمی‌توانم بگویم دوست‌شان ندارم. چون برای همه زحمت کشیدم. البته ممکن است یکی بیشتر باب میلم باشد و دیگری کمتر. می‌توانم بگویم «بی‌همگان» با این که مطابق طرح اولیه نیست و دستخوش تغییراتی شد، کار خوبی است که می‌توانست بهتر هم باشد و خیلی خیلی ماندگار شود.

زاویه دید

بی‌همگان؛ سریالی خانواده‌پسند

نگاهی به تازه‌ترین سریالی که از شبکه ۳ پخش می‌شود



فاطمه عودباشی
گروه رسانه

رسانه ملی با یک سبد پر از محصولات متنوع فصل پاییز را آغاز کرد و با تولیدات رنگارنگ که خانواده‌پسند هم هست، تلاش کرده شب‌های خنک پاییزی را برای مخاطبان گرم کند. یکی از این تولیدات مناسب که این شب‌ها مورد توجه بسیاری از خانواده‌ها قرار گرفته و همه با علاقه پیگیر آن هستند، سریال تلویزیونی «بی‌همگان» است. این درام خانوادگی حتی مورد توجه خانواده‌هایی که در تماشای آثار نمایشی هم سخت‌پسند هستند و هر ملودرام خانوادگی را دوست ندارند، قرار گرفته است.

با نگاهی به قصه سریال بی‌همگان باید گفت گروه سازنده این سریال قصه را با یک شیب ملایم آغاز کرده و بعد از گذشت سه قسمت، قصه اوج زیادی به خودش گرفت؛ زیرا مخاطبان با اتفاقات و قصه‌های متعدد در این سریال روبه‌رو هستند. درواقع نویسندگان سریال سعی کرده‌اند در هر قسمت از سریال گرهی قرار بدهند که هم تماشای آن برای مخاطبان جذاب باشد و پیگیر دیدن داستان شوند.

سازندگان سریال بی‌همگان با ساخت این مجموعه نقبی هم به مسائل و چالش‌های روز اجتماعی و خانوادگی زده‌اند و این نگاه با تصویر زندگی چند خانواده در قصه روایت می‌شود. همچنین علاوه بر قصه‌های ریز و درشت، سریال روایتگر زندگی یک دختر و پسر جوان است که قرار بوده در مقطعی زندگی مشترک‌شان را آغاز کنند اما به دلایل مختلف اجتماعی و خانوادگی این اتفاق با مسائل زیادی روبه‌رو می‌شود.

بنابراین بی‌همگان نه فقط به عنوان یک سریال عاشقانه بلکه به عنوان یک سریال اجتماعی مسیر مشکلات جامعه را درمی‌نوردد و نمایشگر بخش‌هایی از بحران‌ها و مشکلات اجتماعی است. سعید جلالی و علیرضا کاظمی‌پور که نویسندگان سریال هستند، مثل همیشه تلاش کرده‌اند روابط میان شخصیت‌ها و فضاسازی موقعیت‌های قصه



را به درستی کنار هم قرار بدهند تا قصه و شخصیت‌ها از انسجام لازم برخوردار باشند. یکی دیگر از ویژگی‌های سریال بی‌همگان این است که هر طیف از مخاطبان می‌توانند به‌راحتی بیننده این اثر باشند؛ زیرا قصه به گونه‌ای نگارش و تولید شده تا برای هر گروه سنی مناسب باشد. قصه، روایت پیچیده‌ای ندارد بلکه به سادگی مخاطبان می‌توانند شاهد یک سیر داستانی خوب باشند. ریتم مناسب، کارگردانی و گرفتن‌های بازی‌های خوب از دیگر امتیازات این سریال است. ضمن این‌که بهرنگ توفیقی که کارگردانی، اول این مجموعه است، بازیگران را درست و سر جای نقش‌ها قرار داده‌است تا مخاطبان شاهد بازی‌های تکراری از بازیگران نباشند و آنها را در لباس شخصیت‌های متفاوت ببینند. همچنین برای این سریال سراغ بازیگران جوانی رفته که قبلا تجربه بازی نداشته‌اند، از جمله بازیگر نقش النـاز که میترا رفیع این نقش را بازی می‌کند و کارگردان توانسته یک بازی روان از او بگیرد. یکی دیگر از ویژگی‌های این سریال رابطه میان زهره و ناماداری‌اش است که زهره فکورصبور این نقش را بازی می‌کند و آخرین قاب از این هنرمند در تلویزیون است. رابطه این دو هم متفاوت و به دور از کلیشه‌های رایج است که مورد توجه مخاطبان قرار گرفته‌است.

ویژه

«صبح جمعه با شما» قابلیت پخش از تلویزیون را دارد



در این روزها موضوعاتی درباره هم افزایی رادیو با تلویزیون و تولید برنامه‌های مشترک بین این دو دستگاه مطرح شده و اخیرا به گوش می‌رسد یکی از برنامه‌هایی که می‌خواهد وارد این طرح هم‌افزایی شود، برنامه رادیویی «صبح جمعه با شما»ست که جمعه‌ها از رادیو ایـران پخش می‌شود. ساجد قدوسیان، تهیه‌کننده، سردبیر و کارگردان در این باره عنوان کرد: ایده‌ای درباره بحث هم‌افزایی برنامه‌های رادیویی و تلویزیون مطرح و در اتاق فکر برنامه به عنوان پیشنهاد بیان شده است که برنامه‌ای چون صبح جمعه با شما به‌دلیل سابقه، فضای پخش، هنرمندان و چهره‌های حاضر در آن، قابلیت پخش از تلویزیون را دارد اما همچنان در حد پیشنهاد است و اجرا و اتفاقی رخ نداده است، البته شاید برای نوروز بتوانیم این هم افزایی را انجام دهیم. وی افزود: نمونه‌ای از پخش برنامه‌های مشترک بین رادیو و تلویزیون را در عید سال گذشته داشته‌ایم، شبکه آموزش بخش‌هایی از پشت صحنه برنامه «عید ما» را ضبط کرد و همزمان با پخش این برنامه در رادیو ایران، آنها پشت صحنه عید ما را از شبکه آموزش نشان می‌دادند اما این بار اگر این پیشنهاد عملی شود، قصد داریم همزمان اجرای رادیویی و تلویزیونی کامل باشد.

احکام

مدیران جدید ساترا منصوب شدند



سرپرست معاونت کاربران و تنظیم‌گری اجتماعی ساترا در احکامی جداگانه محمدمهدی مومنی‌ها و محمدطاهر افضلی را در سمت‌های خود منصوب کرد. مراسم معارفه مدیران معاونت کاربران و تنظیم‌گری اجتماعی سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر (ساترا)، در محل این سازمان با حضور رئیس، قائم‌مقام، معاونان و مدیران کل ساترا برگزار شد. در این مراسم نیز به پاس تلاش‌های نفیسه رستمی، مدیر سابق آموزش و فرهنگ‌سازی از وی تجلیل شد. محمدمهدی مومنی‌ها، دانش‌آموخته دکترای علوم ارتباطات است و بیش از ۲۴ سال سابقه حضور در صداوسیما را دارد. از جمله مسئولیت‌های وی می‌توان به مدیر ارتباط با نخبگان، کارشناسان و نهادهای سازمان صداوسیما و ... اشاره کرد. وی تاکنون ۱۴ جلد کتاب در حوزه‌های رسانه، ارتباطات و فضای مجازی و حوزه‌های مذهبی به رشته تحریر درآورده و چند مستند تلویزیونی مذهبی و فرهنگی برای صداوسیما ساخته است.

خاطرات کاغذی

ماجراهای دانی



مریم فلاح: انیمیشنی آموزنده که به شرح اکتشافات و اختراعات با زبانی ساده می‌پرداخت و البته گاه دربرگیرنده داستان‌های علمی - تخیلی و آینده‌نگری بود. شخصیت اصلی آن یک موجود فانتزی صورتی‌رنگ به نام «دانی» بود که از درون رایانه بیرون می‌پرید و در درک مفاهیم علمی، تاریخچه اختراعات و اکتشافات علمی به بچه‌ها کمک می‌کرد. توضیحات این موجود صورتی رنگ را با صداپیشگی نرگس فولادوند می‌شنیدیم. آلبرت اینشتین، الکساندر فلمینگ، الکساندر گراهام بل، چارلز داروین، لویی پاستور، توماس ادیسون، گالیلئو گالیله، آیزاک نیوتن و جیمز وات از جمله شخصیت‌های علمی بودند که دستاورد علمی آنها برای بچه‌ها توضیح داده می‌شد. البته گاهی هم به صورت بسیار جزئی و گذرا از دانشمندان ایرانی همچون «زکریای رازی» نام برده می‌شد که برایمان اصلا باورکردنی نبود! کارتون ژاپنی ماجراهای دانی، (با نام اصلی Mīmu Iro Iro Yume no Tabi :) به کارگردانی کازویوشی یوکوتا ، ساخت استودیوی نیپون است.

کد بالا را اسکن کنید